

المُسْتَعَان

فِي

إِعْرَابِ الْقُرْآنِ

الجزء الخامس والعشرون و الجزء السادس والعشرون

المجلد الثالث عشر

مَوْسُوعَةٌ صَرْفِيَّةٌ، نَحْوِيَّةٌ وَ لُغَوِيَّةٌ لِأَلْفَاظِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ
بِرَرَسِي صَرْفِيٍّ، نَحْوِيٍّ وَ لُغَوِيٍّ وَآرِثِيٍّ قُرْآنِ كَرِيمٍ

عَرَبِيٍّ، فَارَسِيٍّ

تأليف:

الدكتور سيّد رضا نجفي

أستاذ جامعة إصفهان

سرشناسه:

عنوان و نام پدید آور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

نجفی، سید رضا، ۱۳۴۱ -

المستعان فی اعراب القرآن / تألیف سید رضا نجفی.

اصفهان: کتابنامه نجف، ۱۳۹۲ -

ج. ۴۱۸ ص.

دوره: ۵-۰ 978-964-94070-5-0 ج. ۱: ۵-۲ 978-600-94815-5-2 ج. ۲: ۱-۲ 978-600-94815-2-1

ج. ۳: ۳-۵ 978-600-94815-4-5 ج. ۴: ۳-۸ 978-600-94815-8-3 ج. ۵: ۰-۹ 978-600-94815-9-0

ج. ۱۳: ۹-۶ 978-600-96673-6-9 ج. ۱۴: ۸-۳ 978-600-94815-3-8 ج. ۱۵: ۹-۶ 978-600-94815-6-9

قاپا

عربی.

وضعیت فهرست نویسی:

یادداشت:

یادداشت:

یادداشت:

یادداشت:

یادداشت:

مندرجا:

پشت جلد لاتینی شده: ... Sayed Reza Najafi. Al-Mosta'an fi erabe

ج. ۵ و ۱۳ - ۱۵ (چاپ اول: ۱۳۹۵ (قیبا)).

کتابنامه.

نمایه.

ج. ۱: جزء ۱. جزء ۲. جزء ۳ و ۴: سورة البقرة - سورة النساء - ج. ۳: جزء ۵ و ۶ سورة النساء -

سورة المائدة - ج. ۴: جزء ۷ سورة مائدة - سورة اعراف - ج. ۵: جزء ۹ و ۱۰: سورة مائدة - سورة توبه - ج. ۱۳: جزء ۱۵ و ۱۶:

سورة شوری تا ج. ۱۴: جزء ۱۷ و ۱۸: سورة النازعات الى التحريم - ج. ۱۵: جزء ۱۹ و ۲۰: سورة الملک الى سورة الناس.

قرآن - - صرف و نحو

Qur'an -- Grammar

قرآن - - اعراب

Qur'an -- *Diacritics

۱۳۵۵ شم ۸/۸ BP

۱۵۳ ۲۹۷

۳۳۶۸۰

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتاب شناسی ملی:



- نام کتاب: المستعان فی اعراب القرآن - المجلد الثالث عشر
- مؤلف: دکتر سید رضا نجفی
- صفحه آرا: عباسعلی ربانی
- نوبت چاپ و سال انتشار: چاپ اول - ۱۳۹۵
- شمارگان: ۱۰۰۰
- ناشر: کتابنامه نجف
- چاپ و صحافی: نگار اصفهان
- شابک جلد سیزدهم: ۹۶۶۷۳-۶-۹ ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۶۷۳-۶-۹
- شابک دوره ۱۵ جلدی: ۹۴۰۷۰-۵-۰ ۹۷۸-۹۶۴-۹۴۰۷۰-۵-۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

مرکز فروش: اصفهان، میدان آزادی، خیابان هزار جریب، فروشگاه کتاب جهاد دانشگاهی اصفهان

تلفن: ۰۳۱-۳۷۹۳۲۰۸۶

تماس با ناشر - مؤلف: ۰۹۱۳۱۱۵۰۶۱۸

پست الکترونیکی: rezanajafi84@yahoo.com

فهرست مطالب

مقدمه.....	۵
سُورَةُ الشُّورى.....	۱۱
سُورَةُ الزَّحْرَف.....	۷۹
سُورَةُ الدَّخَان.....	۱۴۷
سُورَةُ الْجاثِيَةِ.....	۱۷۵
سُورَةُ الْاَحْقَاف.....	۲۱۴
سُورَةُ مُحَمَّد.....	۲۶۴
سُورَةُ الْفَتْح.....	۳۱۰
سُورَةُ الْحَجَرَات.....	۳۵۶
سُورَةُ ق.....	۳۸۳
فهرس المصادر و المراجع.....	۴۱۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

حمد و سپاس خدای تعالی را که قرآن را با بیان: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ از تحریف و تبدیل حفظ نمود و درود بی کران خدا بر پیامبر اعظم که وی را نذیر و رحمت و سراج منیر و هادی جهانیان قرار داد. مدامانان و دانشمندان علوم اسلامی از صدر اسلام به حفظ قرآن در صدور و محافظت برآن در سطور و تگ کردند و علما در هر عصر و زمانه، برای کشف معانی قرآن و پرده برداشتن از رمز و رازهای آن و شناخت آن معانی لند، بدان روی آوردند، بعضی به تفسیر آیات و احکام و اسباب نزول پرداختند، بعضی به تجوید و راثات بعضی به بلاغت قرآن و اعجاز بلاغی آن روی آوردند. همان گونه که بعضی برای دریافت عبرت ها، به قصص و امثال قرآن توجه نمودند، برخی نیز برای فهم لطائف و اشارات به اعراب قرآن و بیان مشکلات اعرابی یا نحوی و نحوی آن همت گماردند.

اعراب در لغت به معنای روشن و آشکار است و در اصطلاح نحویان عبارت است از روشن ساختن کلام برای مخاطب به گونه ای که در آن خدایی نباشد، این هشام اعراب را اثری ظاهر یا مقدر می داند که عامل در آخر اسم متمکن آشکار می سازد. برخی مانند ابن مالک، اعراب را پدیده ای لفظی دانسته اند که به صورت حرکت، حرف، سکون یا حذف در آخر کلمه ظاهر می شود. اما بیشتر محققان، اعراب را پدیده ای معنوی دانسته اند که حرکات و سکانات دلیل بر آن است.

بر اساس معنای اصطلاحی، اعراب منحصر به صدای آخر کلمات است، اما بر پایه ی معنای لغوی همه ی حروف کلمه، دارای وصف اعراب است. شاید بعضی از روایاتی که منسوب به فراگیری اعراب در زبان عربی دارد ناظر به همین معنی باشد؛ آنجا که نبی مکرم اسلام (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود: أَعْرَبُوا الْقُرْآنَ وَ التَّمْسُوا عَرَابِيَهُ، ظاهراً مراد از اعراب تلفظ صحیح و واضح الفاظ است و در روایت دیگری فرمود: أَعْرَبُوا الْكَلَامَ كَمَا تُعْرَبُوا الْقُرْآنَ. در این کلام نیز، مراد تلفظ صحیح حرکت آخر کلمه و هم تلفظ همه حروف و صداهای هر واژه می باشد.

غالباً حرکات اعرابی نقش اصلی را در تفاهم و بیان معنای مقصود گوینده بر عهده دارد، به گونه ای که هر گونه تغییر در اعراب به تغییر در معنای جمله می انجامد. از این رو اعراب هزاد زبان عربی بوده است، اما دانش اعراب به ویژه اعراب قرآن از دامن قرآن کریم برخاسته و تاریخ آن به دوره پس از نزول قرآن بر می گردد.

بر پایه‌ی روایات مُتَّفَعْنِ اسلامی، نخستین بار علام اعرابی، در قرآن کریم به کار رفته است، أَبُو الْأَسْوَد دُوْلِی (م. ۶۹ق) به اشاره امام عَلِی (عَلَيْهِ السَّلَام) و با کمک یحیی بن یَعْمَر، آغازگر اعراب‌گذاری قرآن کریم بوده است. در نخستین اعراب‌گذاری به معنای تعیین صدای کلمات، که بسیار ساده و ابتدایی بود، از نقطه استفاده شد. برای علامت فتحه، نقطه‌ای در بالای حرف و برای کسره نقطه‌ای در زیر حرف و برای ضمه نقطه‌ای در جلوی حرف قرار دادند و برای تنوین از دو نقطه و با رنگ‌های مختلف استفاده شد. بی‌شک أَبُو الْأَسْوَد غرضی جز پیشگیری از خطای نو مسلمانان و حفظ زبان عربی نداشت، همان کسانی که در اثر فتوحات و در آمیختن با عجم بیم آن می‌رفت که زبانشان رفته رفته دچار انحراف گردد.

نقطه‌های اعرابی پس از حدود یک قرن به دست خلیل بن أَحْمَد فَرَاهِیدی (م. ۱۷۵ق) به صورت شکل‌های مختلف درآمد. به تدریج به شکل امروزی تثبیت شد. در نیمه دوم قرن دوم رفته رفته بانحولی در اعراب قرآن مواجه می‌شویم. دانش‌مندی همچون عبدالله بن ابی اسحاق، ابو عمرو بن علاء، عیسی بن عُمَر ثَقَفِی، یونس بن حَبِیب، به تحال و تأمین نقش‌های کلمات در آیات قرآن پرداختند و برجسته‌ترین دانشمندان این دوره سبویه است؛ وی در اثر گسترش "الکتاب" که نخستین کتاب در نحو عربی است، در ضمن تدوین قواعد نحو، به تبیین و تأمین نقش‌های کلمات قرآن پرداخته است. گفتنی است که سبویه در "الکتاب" به ۴۱۳ آیه قرآن کریم در مباحث کوناگون نحوی استشهد کرده است.

با ظهور سبویه و اثر برجسته‌اش "الکتاب"، مکتب نحوی بصره شکل گرفت؛ از جمله ویژگی‌های بارز این مکتب، قانون‌کردن قواعد نحو و روی آوردن به قیاس در نحو عربی است، و با این رویکرد قواعد منضبط، محدود و در نتیجه سهل و آسان شد. و در مقابل این مکتب، خو کوفه به شواشی کسایی (م. ۱۸۹ق) پدید آمد، این گروه بیشتر به نقل و سماع توجه داشتند. به هر روی نحو بعضی از اسباب بیشتری برخوردار گشت و تقریباً به عنوان نحو معیار، پیروان بیشتری را به خود جلب کرد. یکی از دلایل پیشرفت نحو بصره و تقدّم آن بر نحو کوفه، مَتَّهَم شدن نحو کوفه به استناد و استدلال به لهجه‌های غیر فصیح بود. در اواسط سده سوم هجری قمری، شاهد ظهور مکتب نحو بغداد هستیم که تلفیقی از دو مکتب نحو بصره و کوفه است. در حقیقت باید آن را حد اعتدال این دو مکتب دانست؛ دانشمندی چون ابن خَالَوَیْه، ابن دُرَّسَوَیْه، ابن جَنِّی، زُجَاج و رَحْمَشَرِی به آن گرایش داشتند و دانشمندان مکتب اَنْدَلُس، بیشتر به تدوین کتب دستوری زبان عربی اهتمام ورزیدند.

جایگاه و نقش مهم اعراب قرآن بسبب شد که دانشمندان پس از قرن دوم به طور گسترده به تحقیق و تألیف در این دانش پرداختند، ظاهراً برای نخستین بار أَبُو جَعْفَر زَوَاسِی از اصحاب امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) هو که استاد کسایی و قُرَّاء بود، کتابی به عنوان اعراب القرآن نگاشت.

طَبَرسی اعراب قرآن را برترین علم از علوم قرآن معرفی کرده است، زیرا هر بیانی به آن نیازمند و کلید گشودن معنای عبارات است و بدون آگاهی از آن، مراد خدا ناممکن است. و بعضی مانند ابن هشام و سیوطی و زَرکشی اعراب را فرع بر فهم معنا می‌دانند و معتقدند نخست باید فهم صحیحی از آیات به دست آورد، سپس بر طبق معنا اعراب آیه را بیان کرد. این در حالی است که در موارد بی‌شماری فهم صحیح آیه بر نوع اعراب آن مبتنی است و موارد فراوانی نیز یافت می‌شود که اعراب مبتنی بر دریافت معنا و فرع آن است و این به سبب ویژگی زبان عربی، به ویژه زبان قرآن و نظم دقیق و حساب شده آن است که در موارد بسیاری به آیات، قابلیت وجوه نحوی و اعرابی گوناگون می‌دهد و مطابق با هر ترکیب و تحلیل، معنایی متناسب برداشت می‌شود. اکنون ما بر این باوریم که معنا و اعراب لازم و ملزوم یکدیگر هستند و در هنگام رجوع به عبارت باید هر دو مد نظر قرار گیرد و فهم معنا به اعراب کمک می‌کند و اعراب در کشف معنا مفسر را یاری می‌رساند.

توجه به اعراب نزد دانشمندان مسلمان تا جایی فزونی یافت که اعراب قرآن به عنوان فَنّی مستقل در کتب ویژه جای گرفت، لیکن دانشمندان که به این فن شهرت یافتند همه در کارشان برابر نبودند، بلکه از جهات مختلف و با رویکردهای گوناگون، دارای از خود برجای گذاشتند. پس از رؤاسی بعضی مانند مکی بن ابی طالب القیس (م ۴۳۷ق) تنها به مشکل اعراب قرآن پرداختند و بعضی مانند ابن الأَثیر صرفاً به جانب غریب قرآن متمایل گشتند و برخی مانند ابوالنَّعمان الحَکَمی (م ۶۱۶ق) در کتابش به نام "إِملَاءُ مَا مَنَ بِهِ الرَّحْمَنُ"، اعراب کل قرآن را بررسی کردند. مگر مواردی که آشکار باشد، ابواسحاق زجاج (م ۳۱۱ق) در کتاب اعراب القرآن با تقسیمات خاص خود به اعراب قرآن روی آورده است و بعضی مانند فَرَّاء در کتاب "مَعَانِي الْقُرْآن" و ابن جَنِّي (م ۳۹۲ق) در کتاب "مُحْتَسَب" و ابن فارس (م ۳۰۹ق) در کتاب "حَجَّة" و نَحَّاس (م ۳۳۸ق) در کتاب "إِعْرَابُ الْقُرْآن" به گردآوری موارد دشوار اعراب و ارائه رُأَی پرداخته‌اند و دیگر کسانی که از قدام در اعراب القرآن، صاحب تألیف می‌باشند، عبارتند از: قُطْرُب (م ۲۰۶ق)، ابو حاتم السَّجِسْتَانِي (م ۲۴۸ق)، و أَبُو الْعَبَّاسِ الْمُعَرِّد (م ۲۸۶ق)، و أَبُو الْعَبَّاسِ ثَعْلَب (م ۲۹۱ق)، و أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بْنُ خَالَوَيْه (م ۳۷۰ق)، و أَبُو زَكْرِيَا ثَبْرِي (م ۵۰۲ق).

و نیز به دانشمندان دیگری می‌توان اشاره کرد که اعراب قرآن را در ضمن کتاب تفسیر خود مطرح کرده‌اند، مانند مُحَمَّد زُحَشْرِي (م ۵۳۸ق)، در کتاب "الكَشَاف"، و أَبُو حَيَّان الْأَنْدَلِسِي، در کتاب "بَحْرُ الْمُحِيط"، حسن طَبَرسی در کتاب "مَجْمَعُ الْبَيَان". و در میان کتاب‌های تألیف شده در موضوع اعراب قرآن دو کتاب "اعراب القرآن" زجاج و "مَعْنَى اللَّيْس" ابن هشام، در شیوه نگارش با دیگر کتب متفاوت است؛ این دو کتاب مبتکر بحث موضوعی در زمینه اعراب قرآن می‌باشد. در حالی که کتاب‌های گذشته در

واقع به تحلیل اعراب کلمات و آیات مشکل قرآن به ترتیب سُوره‌ها و آیات روی می‌آوردند و در میان مؤلفات معاصر، دو کتاب "إعراب القرآن و بیانه" از محی الدین ذریش و "المجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه" از محمود صافی از شهرت بیشتری برخوردار است.

اولین بار در دهه شصت با تولید نرم افزار قرآنی کوثر، به اعراب قرآن روی آوردم و در دهه هفتاد تولید نرم‌افزار بزرگ اعراب القرآن را آغاز نمودم که در سال ۱۳۸۱ به نتیجه رسید و به همت شرکت سروش وابسته به صدا و سیما مرکز اصفهان تکثیر و توزیع گردید. پس از اقبال عمومی به آن نرم‌افزار و دریافت نتایج و بازخورد و تشاهی از نظرات کاربران محترم، به فکر اصلاح و به روز کردن آن برآمدم و از آنجا که بعضی خواهان ارائه اعراب قرآن به صورت کتاب بودند، کتاب: **المُسْتَعَانُ فِي إِعْرَابِ الْقُرْآنِ**، در پاسخ به این درخواست تهیه و به همه سائقان درک معانی بلند قرآن کریم تقدیم می‌گردد.

مشخصات این کتاب

در این اثر پژوهشی آموزشی به ویژه دانشجویان علوم قرآنی و طلاب علوم دینی به ویژه طلاب جامعة الزهراء (سلام الله علیها) و مطابق با سرفصل‌های گوناگون زبان عربی و الهیات و علوم قرآنی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تدوین گشته، تلاش شده است که اعراب کلمات با توجه به معانی الفاظ و عبارات صورت گیرد و با تکیه بر وجوه شایع و رایج در میان فصحاء عرب و قواعد دستوری از وجوه شاذ و نادر و اعراب‌های خلاف ظاهر و منافی با نظم کلام، دور بگذرد. با پرهیز از کاربرد اصطلاحاتی که با شأن کتاب الهی ناسازگار است، در تبیین اعراب در چارچوب اصطلاحات و قواعد پذیرفته شده در صنعت صرف و نحو حرکت صورت پذیرد.

شایان ذکر است که در جای جای این تالیف، ضمن بیان اعراب و وجوه صرفی و نحوی و مختار در متن، بعضی وجوه مُخْتَل و مُرْتَبِط دیگر نیز، به زبان فارسی در باورقی برای پژوهشگران ذکر شده است و شرح اصطلاحات صرفی و نحوی و تعریف انواع جمله در خاتمه کتاب به دو زبان عربی و فارسی به صورت مختصر آورده شده است.

در این کتاب که شامل سوره‌های جزء ۲۵ و ۲۶ می‌باشد، روش مؤلف اعراب کل کلمات قرآنی است. بدین صورت که همه ی واژه‌های نورانی قرآن، اگر چه تکراری باشد از نظر صرفی و نحوی و همچنین همه عبارات هدایتگر از نظر نوع جمله، مورد بررسی قرار گرفته است. بنابر این، تحلیل صرفی و نحوی هر کلمه و یا نقش هر جمله به راحتی و با اطلاعات مشترک و برابر، در هر آیه در دسترس خواننده قرار گرفته است و از ارجاع به نمونه‌های مشابه قبلی خودداری شده است و برای هر واژه، اسم، فعل یا حرف، اطلاعات برابر

در کل آیات و با ترتیب مشخص و با حرکت‌گذاری کامل، برابر نمونه‌های زیر ارائه شده است و از آنجا که اسم و فعل دارای معنای مستقل است، این دو قبل از مشخصات صرفی و نحوی به زبان فارسی ترجمه شده است:

برای هر حرف، شش ویژگی صرفی و اگر حرف جر باشد هفت ویژگی به ترتیب زیر ارائه گردیده است:
 قَدْ: حرف، حرف تحقیق، غیر عامل، مَبْنِيٌّ، بِنَاؤُهُ أَصْلِيٌّ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ.

عَلَى: حرف، حرف جر، مُتَعَلِّقٌ بِفِعْلٍ قَبْلَهُ، عَامِلٌ، مَبْنِيٌّ، بِنَاؤُهُ أَصْلِيٌّ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ.

برای اسم معرب ۱۰ نکته صرفی و ۳ نکته نحوی به ترتیب نمونه زیر ذکر شده است. اطلاعات صرفی و نحوی و نوع جمله ۱۰ دو خط ارباب: // از هم جدا گشته‌اند:

الْحَمْدُ: اسم، بِمَنْصَرَفٍ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ، مُنْصَرَفٌ، مُنْصَرَفٌ، ح م د، الْفِعْلُ، مُعَرَّبٌ. //
 مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ

برای اسم غیر عربی ۶ سی صرفی و برای اسم عدد معرب ۵ ویژگی صرفی و اسم عدد مبنی ۷ ویژگی صرفی و برای ظرف و اسم مبنی ۷ ویژگی صرفی نوشته می‌شود، مانند:

مُوسَى: اسم، اسم غیر عربی، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، غَيْرُ مُنْصَرَفٍ مُعَرَّبٌ. // مَفْعُولٌ بِهِ أَوَّلٌ، مَنْصُوبٌ بِالْفَتْحَةِ الْمُفْدَرَةِ.

الْقَبْ: اسم، اسم عدد، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مُعَرَّبٌ. // مَفْعُولٌ فِيهِ، مَنْصُوبٌ بِالْفَتْحَةِ.

تِسْعَةُ عَشْرَةَ: اسم، اسم عدد، مُفْرَدٌ، مُؤَنَّثٌ، مَبْنِيٌّ، بِنَاؤُهُ عَارِضِيٌّ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ. // مُضَافٌ إِلَيْهِ، مُجَرَّرٌ تَحْلًا.

يَمِينٌ: اسم، ظرف، مُعَرَّبٌ. // مَفْعُولٌ فِيهِ، مَنْصُوبٌ بِالْفَتْحَةِ.

مَنْ: اسم، اسم شرط جازم، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ. // مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ بِحَذْفِ

برای هر فعل مبنی: ماضی و امراضر، ۱۲ ویژگی صرفی و برای فعل مضارع و امر غائب،

۱۰ ویژگی صرفی به ترتیب زیر و مانند نمونه تقدیم شده است و نوع اعراب فعل ۱۰ در خط پنجم از بخش صرف مشخص شده است.

عَلِمَ: فعل، فعل ماضی، لِلْغَائِبِ، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ، مُنْصَرَفٌ، مُتَعَدٍّ، مَعْلُومٌ، ع ل م، فِعْلٌ، مَبْنِيٌّ، بِنَاؤُهُ أَصْلِيٌّ،

مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ. // فَاعِلُهُ الْإِسْمُ الظَّاهِرُ.

كَلَمُوا: فعل، فعل امر، لِلْمُخَاطَبِينَ، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ، مُنْصَرَفٌ، مُتَعَدٍّ، مَعْلُومٌ، ا ك ل، عَلُوا، مَبْنِيٌّ، بِنَاؤُهُ أَصْلِيٌّ،

مَبْنِيٌّ عَلَى حَذْفِ التَّوْنِ. // فَاعِلُهُ الصَّمِيمُ الْبَارِزُ "و". // الْجُمْلَةُ: اسْتِثْنَائِيَّةٌ، لَا تَحِلُّ لَهَا مِنَ الْإِعْرَابِ.

تَبَيَّنَ: فعل، فعل مضارع، لِلْغَائِبَةِ، ثَلَاثِيٌّ مُزِيدٌ، اِفْعَالٌ، مُنْصَرَفٌ، مُتَعَدٍّ، مَعْلُومٌ، ن ب ت، تَفَعَّلَ، مُعَرَّبٌ. //

مَرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ. // فَاعِلُهُ الْإِسْمُ الظَّاهِرُ.

لِيَصُم: فعل، فعل أمر، لِلْعَالِيَةِ ۱، ثَلَاثِي مُجَرَّد، مُتَصَرِّف، مُتَعَدِّ، مَعْلُومٌ، ص و م، لِيَقُلْ، مُعَرَّب. // مَجْزُومٌ بِالسُّكُون. // فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ مُسْتَرِزٌّ جَوَازًا تَقْدِيرُهُ "هُوَ". // الْجُمْلَةُ: فِي تَحَلٍّ الْجَزْمِ، جَوَابُ الشَّرْطِ.

در ترجمه اسم و فعل تلاش شده است معنای واژه بدون توجه به ماقبل و مابعد آن و سیاق آیه موردنظر، ارائه گردد، از این روی به عنوان مثال حرف نفی تأثیری در ترجمه نداشته و فعل‌های منفی، مثبت معنا شده است.

همان‌گونه که در نمونه‌های بالا مشاهده شد، مرفوع هر فعل یعنی نوع فاعل یا نائب فاعل در فعل‌های تام و نوع اسم در فعل‌های ناقص، با یکی از گزینه‌های: ضمیر مستتر، ضمیر بارز، اسم ظاهر و یا مصدر مؤول در مقابل خود فعل مشخص شده است.

نوع صغری و چه کبری و چه جمله‌هایی که محلی از اعراب دارند و چه جمله‌هایی که محلی از اعراب ندارند، مقل فعل مرفوعش ضمیر است و یا در مقابل فاعل، نائب فاعل، خبر و یا معمول‌هایی مانند مفعول به، مفعول فیه، مفعول مطلق که فعل آن‌ها محذوف است معین می‌گردد. مانند این جمله اسمیه که خبر آن خود جمله‌ای دیگر است:

هُمْ: إِسْمٌ، ضَمِيرٌ مُنْفَصِلٌ مَرْفُوعٌ، نَسِي عَنِ السُّكُونِ. // مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ تَحَلًّا.
يُوقِنُونَ: فِعْلٌ، فِعْلٌ مُضَارِعٌ، لِلْعَالِيَةِ ۳، رَتْبِي: يَد: نَال، مُتَصَرِّف، مُتَعَدِّ بِخَرَفِ الْحَر. ۲، مَعْلُومٌ، ي ق
ن، يُفَعِّلُونَ، مُعَرَّب. // مَرْفُوعٌ بِالنُّونِ. // فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ الْبَارِزُ "و". // الْجُمْلَةُ: فِي تَحَلٍّ الرَّفْعِ، خَيْرٌ. الْجُمْلَةُ الْكُبْرَى: مَعْطُوفَةٌ، لَا تَحَلُّ لَهَا مِنَ الْإِعْرَابِ.

امید است این خدمت قرآنی جدید، که برگرفته از طرح پژوهش منصوب دانشگاه اصفهان به شماره ۹۲۱۱۱۱۱۸، و در سایت: etabuar.info/earabolquran قابل دسترسی است، کمکی در فهم و تدبیر کلام الهی و آشنایی با معارف قرآنی و رهگشای زندگی دنیا و آخرت قبی باشد.

و اللَّهُ الْمُسْتَعَانَ

دانشیار گروه عربی دانشگاه اصفهان